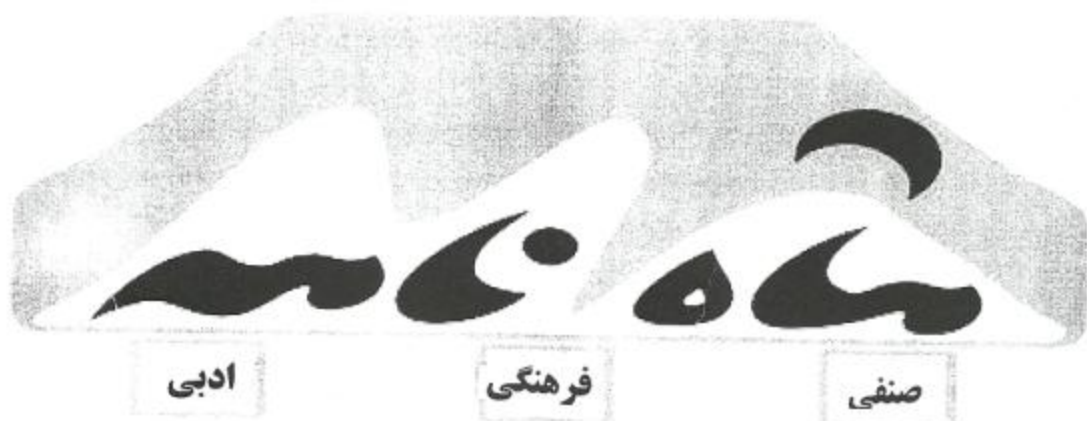




در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه می ۲۰۱۴

نوشتن برای اندیشیدن، اندیشیدن برای نوشتن

زمستان است (شعر)

نمایشگاه تاریخ ناویراسته ایران در موزه هنرهای مدرن پاریس

سوگ نامه استاد لطفی

اندیشه‌های جاودان سعدی

به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در مصر

گزارشی از تجمع رانندگان تاکسی در فرودگاه شارل دوگل

مراسم زار در جنوب

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دمکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه می ۲۰۱۴

جلسه عمومی ماه می انجمن، با سخنانی در رابطه با روز جهانی کارگر از طرف سخنگوی هیئت مدیره شروع شد. سپس متنی در همین رابطه توسط عضو دیگر هیئت مدیره قرائت شد و با تبریک این روز جهانی از طرف هیئت مدیره و آرزوی موفقیت و پیروزی برای کلیه اعضا و همکاران، نگاهی به بزرگداشت این روز انجام گرفت.

در ادامه جلسه عمومی انجمن، نماینده بیمه Allianz که مهمان این ماه انجمن بود توضیحاتی در باره انواع بیمه‌های درمانی، عمر، بازنشستگی، از کار افتادگی و حوادث بیان کرد و خاطرنشان کرد که در موارد مختلف جبران خسارت ناشی از حوادث و از کار افتادگی افراد بستگی به موقعیت و وضعیت آنها دارد و در نتیجه امکان برآورد خسارت و غرامت روزانه یا ماهانه بستگی کامل به شرایط موجود از قبیل سن، خانواده، درآمد و غیره دارد و از اعضای محترم انجمن تقاضا کرد که با گرفتن قرار ملاقات و بررسی دقیق هر عضو، می‌توانیم به نتایج بهتر برسیم.

مرحله دوم جلسه عمومی انجمن با حضور نماینده CGT همراه بود که بخش مهم این جلسه را تشکیل می‌داد و در باره پیشنهادات نماینده مجلس در ارتباط با مشکلات VTC و ایجاد مقررات و قوانین برای آنها بود.

همانطور که در گزارشات قبلی به طور دقیق و مفصل شرح و علت تظاهرات ماه‌های ژانویه و فوریه به نظرتان رسیده بود و پس از به پایان رسیدن مهلت ۲ ماهه که به نماینده انتخابی دولت برای ارائه طرح و پیشنهادات داده شده بود بالاخره طرحی با ۳۰ پیشنهاد و ۸۵ صفحه توضیحات برای قانونی کردن مقررات VTC و ایجاد شرایط کار برای آنها و همچنین ایجاد بعضی مقررات برای تاکسی‌های فرانسه توسط این نماینده ارائه شد.

اکثریت این ۳۰ پیشنهاد در جلسه عمومی انجمن توسط هیئت مدیره و همراه با توضیحات نماینده CGT برای اعضا تشریح شد و در ضمن به اکثر سئوالات افراد حاضر در جلسه پاسخ‌های مفیدی داده شد که مهم‌ترین این پیشنهادات نماینده دولت به شرح زیر است:

- مجهز شدن کلیه تاکسی‌ها به دستگاه «کارت بانکی».

- ایجاد یک رنگ واحد برای کلیه تاکسی‌ها.
- تعیین مبلغ مشخصی برای رزرواسیون تاکسی در پاریس Compteur approche.

- تعیین قیمت ثابت و مشخص برای فرودگاه‌های Roissy و Orly با در نظر گرفتن مقصد مسافر به شمال، جنوب، شرق و غرب پاریس و ایجاد Voie de taxi در اتوبان‌های A6 ، A1 ...

- پائین آوردن قیمت location تاکسی برای رانندگان و همچنین تغییرات کلی در شارژهای آنها.
- عدم استفاده از Géolocalisation برای ماشین‌های VTC.

- کنترل تکنیک ماشین‌های VTC دو بار در سال.

- ضروری بودن CAP برای رانندگان VTC.
- دارا بودن وضعیت مشخص برای رانندگان VTC از نظر شارژهای حقوقی (Charges sociales).
موفق و پیروز باشید.

هیئت تحریر انجمن
اعضای محترم برای تماس با هیئت مدیره می‌توانند با شماره تلفن زیر تماس حاصل کنند:

06 63 00 10 67

XXXXXXXXXX

نوشتن برای اندیشیدن، اندیشیدن برای نوشتن

بی‌شک، دلایل بی‌شماری وجود دارد که سبب‌ساز ترقی، رشد و خوشبختی انسان می‌شود، اما «اندیشیدن» مهم‌ترین آنهاست، اندیشیدن نیز به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که «سخن گفتن» و «نوشتن»، از شاخه‌های تنومند آن محسوب می‌شود. هر چند دست یافتن به ابزارهای ارتباطی، محصول تلاش انسان در طول تاریخ است که هر روز و هر لحظه نیز در حال توسعه و تکوین است و این تحول همچنان استمرار دارد.

آنگاه که سخن می‌گوییم، در واقع تفکر می‌کنیم و برای ارائه موضوع، به اطلاعات در شیارهای مغز خویش نظم می‌بخشیم و سپس وظیفه پُرخطیر زبان آغاز می‌شود که همه اینها در پردازشی کمتر از کسری از ثانیه انجام می‌گیرد و ما انسان‌ها به عنوان موجودات اجتماعی، در جهت رفع نیازهای ارتباطی به سخن گفتن، مبادرت می‌ورزیم و به خاطر تکرار

کوتاه کنم و این نوشته را با شعر زیبا و پررمز «استاد همایی» به پایان برسانم.

محسن بهرامی

عمری به عبث در ره مقصود دویدیم
یک عمر دویدیم و به مقصد نرسیدیم
چون طایر آواره تشویش گرفته
هر لحظه از این شاخ به آن شاخ پریدیم
از خلق جهان خیر ندیدیم از این روی
در گوشه تنهایی و خلوت بخزیدیم
بودیم یکی آهوک رام، ولیکن
گران به کمینگاه چو دیدیم، رمیدیم
شهد لبن کودکی از خاطر ما برد
زهری که از این کاسه وارونه چشیدیم
چون دست اجل، رخت حیات از تن ما کند
در بستر خواب ابدی، رخت کشیدیم
هم خاک شود باز، گرفتم که دگر بار
چون سبزه نوحاسته از خاک دمیدیم
گیتی است سنا گلشنی آراسته لیکن
ما جز علف هرزه از این باغ نچیدیم
در جلوه بود یار، به هر سوی به دیدار
گر کور نبودیم، چرا یار ندیدیم
XXXXXX

زمستان است...

شعر مهدی اخوان ثالث

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت
سرها در گریبان است.
کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را
نگه جز پیش پا را دید نتواند
که ره تاریک و لغزان است
و گردست محبت سوی کس یازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون
که سرما سخت سوزان است
نفس کز گرمگاه سینه می آید برون ابری شود تاریک
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت
نفس کاین است پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک
مسیحای جوان مرد من ای ترسای پیر پیرهن چرکین
هوا بس ناجوانمردانه سرد است... آی...
دمت گرم و سرت خوش باد
سلام را تو پاسخ گوی در بگشای!
منم من میهمان هر شب لولی وش مغموم

روزمه و عادت گونه آن به پروسه شکل گیری «سخن گفتن» اعتنا نمی کنیم. در مورد «نوشتن» همه این مراحل انجام می پذیرد تا متنی نوشته شود و بتواند با انسان های دیگری ارتباط برقرار کند و از سوی دیگر در خدمت تحول و رشد انسان در عرصه ارتباطات اجتماعی قرار گیرد؛ تنها تفاوت «سخن گفتن» و «نوشتن»، عادت کردن به اولی و عادت نکردن به دومی است، ضمن اینکه «نوشتار» با مخاطبان بیشتری ارتباط برقرار می کند و ماندگارتر است، و سرانجام اگر ابزار نهایی «سخن گفتن» زبان است، ابزار نهایی «نوشتن» قلم است.

به هر روی آنچه که بستر رشد یابندگی است، «اندیشیدن» است، در نتیجه درست اندیشیدن، منجر به «سخن گفتن مؤثر» و منجر به «نوشتن برای روشنگری» خواهد بود، اما باید گفت که هنجارها و ناهنجاری های رفتاری می تواند در سرعت و کندی این تحول نقش بازی کند و چه خوب خواهد بود که ما انسان ها در مسیر رشد، از ناهنجاری ها بکاهیم تا مانعی برای آهنگ سرعت رشد نباشیم.

«نوشتن»، بیان باورهای انسان است که در اختیار همگان قرار می گیرد تا در روند بونه نقد، به مراحل رشد فکر و گسترش اندیشه برسد، در نتیجه انتظاری که نویسنده یک متن از نوشته اش دارد، زمانی حاصل می شود که مورد نقد قرار گیرد، هر چند تشویق نیز زیرمجموعه ای از نقد محسوب می شود و طبیعی است که به دوستان و همکارانی که به سه مطلب من در سه شماره اخیر ماهنامه انجمن، التفات داشته اند، مراتب سپاسگزاری خویش را اعلام می کنم، در حالیکه هر نوشته ای واکنش اندیشه انسان نسبت به رخدادهای اجتماعی است، اگر نقدی سازنده بتواند ساختار و محتوای آن را مورد بررسی قرار دهد، بدیهی است که مورد استقبال و پیشرفت نویسنده و مخاطب، یعنی هر دو با هم قرار خواهد گرفت.

اما نسبت دادن میرزائویی که گویا این مطالب ترجمه ای از مجله های فرانسوی است، بدون اینکه سندی ارائه شود، در چارچوب نقد نمی گنجد. این نوشته ها، نگاه گذرای من نسبت به بضاعت دانایی خویش در مورد مقوله های مشخص «نوروز»، «روز زن» و «خوداشتغالی» بود. بهتر آن است که سخن

نمایشگاه را، هنر ایرانی می‌نامد یعنی به رسمیت شناختن هنر ایرانی به عنوان یک هنر مدرن.

در این اکسپوزیسیون، تاریخ مدرنیته در هنرهای تصویری ایران طی نیمه دوم قرن بیستم، بیش از پیش مورد کنکاش قرار می‌گیرد و این نمایشگاه تحت عنوان «تاریخ ناویراسته» هدفش ساختن تاریخی برای هنر مدرن ایران نیست بلکه نمایش وقایع مهمی است که در چارچوب مسایل اجتماعی و سیاسی هنر تصویری ایران از سال‌های ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا به امروز شکل گرفته‌اند.

در این نمایشگاه، با ارائه مجموعه‌ای از: نقاشی (بهمن محصص، بهجت صدر، آرش حنائی و بابک گلشیری)، سینما (کامران شیردل، پرویز کیمیای و مرتضی آوینی)، تئاتر (بیژن مفید و آربی آوانسیان)، گاهنامه‌های ادبی (کتاب هفته و کتاب جمعه)، عکس (کاوه گلستان، رعنا جوادی و بهمن جلالی) و کاریکاتور (اردشیر محصص)، تاریخ هنر مدرن کشوری را مشاهده می‌کنیم که دائم در حال دگرگونی است.

نمایشگاه به چند برهه تاریخی تقسیم‌بندی شده است: سال‌های مدرنیزاسیون ۱۹۶۰-۱۹۷۰ (۱۳۴۰-۱۳۵۰)، سال‌های انقلاب و جنگ ایران و عراق ۱۹۷۹-۱۹۸۸ (۱۳۵۷-۱۳۶۷) و سال‌های بعد از جنگ تا به امروز که به داوهای معاصر Enjeux Contemporains ۱۹۸۹-۲۰۱۴ (۱۳۶۸-۱۳۹۳) شناخته شده که از شیوه‌های مدرن تکنولوژی برخوردار است (خسرو خورشیدی و آرش حنائی).

هنرمندان ایرانی، نسل به نسل، با آثارشان، کمک کرده‌اند تا تاریخ سیاسی و هنری کشورشان بازنگری شود. این نمایشگاه هنری و کتاب همراهش، دعوتی است برای بالا بردن درک و اندیشه نسبت به کشور ایران و مدرنیته در هنر آن.

در این نمایشگاه حضور قوی ده‌ها هنرمند از طریق صدها آثار هنری‌شان از سال‌های ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا به امروز را می‌بینیم که در آن، تاریخ کشور ایران و آینده هنری آن مد نظر است. علاوه بر شیوه‌های گوناگونی که در نشان دادن هنر مدرن می‌بینیم، آنچه که بیش از همه به چشم می‌خورد این است که مردم ایران همگون نیستند و مردمی هستند در جستجوی نوگرایی.

تهیه و تنظیم: زهره

منم من سنگ تپا خورده رنجور
منم دشنام پست آفرینش نغمه ناجور
نه از رومم نه از زنگم همان بیرنگ بیرنگم
بیا بگشای در بگشای دلتنگم
حریفای میزبانان میهمان سال و ماهت پشت در چون
موج می‌لرزد

تگرگی نیست مرگی نیست
صدایی گر شنیدی صحبت سرما و دندان است
من امشب آمدستم وام بگذارم
حسابت را کنار جام بگذارم
چه می‌گویی که بی‌گه شد سحر شد بامداد آمد
فریبت می‌دهد بر آسمان این سرخی بعد از
سحرگه نیست
حریفای! گوش سرما برده است این یادگار سیلی
سرد زمستان است

و قندیل سپهر تنگ میدان مرده یا زنده
به تابوت ستر ظلمت نه توی مرگ اندود پنهان است
حریفای! رو چراغ باده را بفروز شب با روز یکسان است
سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت
هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها
پنهان

نفس‌ها ابر دل‌ها خسته و غمگین
درختان اسکلت‌های بلور آجین
زمین دل‌مرده سقف آسمان کوتاه
غبارآلوده مهر و ماه
زمستان است...

تهیه و تنظیم: سوسن

XXXXXXXXXX

نمایشگاه تاریخ ناویراسته ایران در موزه هنرهای مدرن پاریس

امروز شهر پاریس، از طریق نمایشگاهی استثنایی به نام تاریخ ناویراسته (Unedited History) چشم به ایران دارد. بیش از ۲۰۰ اثر هنری شامل عکس، نقاشی، ویدئو، آفیش و دیگر مظاهر هنری به نمایش گذاشته شده‌اند که برای اولین بار به موزه هنرهای مدرن پاریس راه یافته‌اند و قطره‌ایست از هنر مدرن ایران.

نمایشگاه تاریخ ناویراسته با تأسی از زبان سینما به بازگویی عریان تاریخ می‌پردازد. فیلم سه ساعته و تدوین نشده کامران شیردل از روزهای انقلاب، بریده‌هایی از فیلم‌های بلند و کوتاه کیمیای و فیلمی از میترا فراهانی. موزه هنرهای مدرن پاریس،

سوگ نامه استاد لطفی

عجب رسمیه، رسم زمونه! قصه برگ و باد خزونه
میرن آدما، از اونا فقط، خاطره هاشون، بجا می مونه...
قصیده کوچکی را در سوگ استاد لطفی ستاره
درخشان و جاودانه موسیقی ایران زمین که ماه
گذشته دار فانی را وداع فرمودند، تهیه کرده ام که به
دوستانش تقدیم می کنم.

اشاره می کنم که در تهیه این قصیده از شعر
استاد شهریار الهام گرفته ام.

بر تو ای لطفی چه آمد که خاموش شدی
چه شرابی به تو دادند که مدهوش شدی
تو که آتشکده عشق و محبت بودی
چه بلا رفت که خاکستر خاموش شدی
به چه دستی زدی آن ساز شبانگهی را
که خود از زخمه آن بی خود و بی هوش شدی
تو به صد نغمه زبان بودی و دلها همه گوش
چه شنفیتی که زبان بستی و خود گوش شدی
می درخشید سر و روی تو در رنگ سپید
نازنینا چه خبر شد که کفن پوش شدی
تا ابد از نظرم می نرود آن تابوت
که گرفت قامت سرو تو و بر دوش شدی
خلق را اگر چه وفا نیست ولیکن استاد
نه گمان دار که رفتی و فراموش شدی
«صفا»

XXXXXXXXXX

اندیشه های جاودان سعدی (قسمت آخر)

نخستین واقعه ادبی پس از اسلام در ایران
نگارش شاهنامه فردوسی بزرگ بود، دومین واقعه،
مثنوی مولانا جلال الدین بلخی و سومین واقعه ادبی
در ایران پس از اسلام نگارش گلستان و بوستان
سعدی بود. در صورتی که بخواهیم از چهار شاعر
بزرگ هم تراز نام ببریم می توانیم فردوسی، حافظ،
سعدی و مولوی را نام ببریم. تفاوت سعدی با
سایرین در این است که او در نثر نیز قلمی توانا
داشت و در قله افتخار ایستاده است. در آن سوی
فرهنگ ایرانی نیز سعدی بیش از همه سخنوران
دیگر ایرانی، اندیشمندان را به شگفتی همراه با
ستایش برانگیخته است. سعدی شاعریست که به
خوبی می تواند مورد درک و دریافت اروپائیان قرار
گیرد. سر ویلیام جونز (Sir William Johns) از اولین

شرق شناسان انگلیسی که برای نخستین بار دستور
زبان فارسی را به انگلیسی نوشت، در باره سعدی
گفته است تا یکی دو قرن قبل، ترجمه و نشر آثار
سعدی در اروپا تحریم و ممنوع می شد چونکه شعله
آزادی و تعقل با روشنایی خیره کننده ای در آنها
می درخشید.

سعدی در کتاب های بی همتای خود، روش
صحیح زندگی را به خوانندگان آموزش می دهد.
دانش آموزان مکتب وی تنها پارسی گویان نیستند که
او تمام آدمیان را خردمندانه پند می دهد:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تاریخ تولد سعدی ۵۸۵ تا ۵۹۰ هجری
خورشیدی و تاریخ وفات او سه شنبه ۱۷ آذر ۶۷۱
هجری خورشیدی بوده است. زندگی سعدی را
بیشتر به سه دوره تقسیم می کنند: ۱ - سال های
جوانی و تحصیل، ۲ - سال های جهانگردی،
۳ - سال های پیری و آرامش. هنگام تولد سعدی،
اتابک مظفرالدین، سومین پادشاه اتابکان، حکمران
شیراز بود و پدر سعدی به نام عبدالله از کارکنان
ساده دیوان اتابک سعدبن زنگی بوده و در رفاه
زندگی می کرده است. شاعر در کودکی پدر و مادر
خود را از دست داد و از تربیت آنها محروم شد.

اتابک سرپرستی او را به عهده گرفت. سعدی در
سن ۲۰ سالگی جهت تحصیل به مدرسه نظامیه
بغداد رفت. او از دو تن از استادان خود به نام های
جوزی و سهروردی نام می برد. در نظامیه، آموزش بر
طبق سنت شافعی که یکی از فرقه های تسنن است
تنظیم شده بود. سعدی در آن هنگام بر سر دو راهی
زندگی خود قرار گرفته بود که آیا بر طبق میل
باطنی خود به شعر و شاعری بگراید و یا تحصیلات
دینی را ادامه دهد.

سعدی پس از تحصیل نظامیه، سفر خود را آغاز
کرد. از بغداد به اصفهان، همدان و کشور سوریه یا
شام، اسکندریه مغرب، حبشه، بصره، بندر باستانی
سومنات در هند، یمن، شام و در نهایت به شیراز
بازگشت. تحصیل و مسافرت سعدی حدود ۳۰ سال
به طول انجامید. سعدی در سن حدود ۵۰ سالگی به
شیراز بازگشت. تا این زمان سعدی فقط اشعاری به

جدیدی جایگزین آن سازد. ناگفته نماند در مصر ارتش با کمک مالی امریکا بطریقی ضامن ثبات و امنیت بوده است و شاهد بودیم که به دفعات به بهانه «سامان دادن به وضع و اوضاع» دخالت کرده و اقداماتش را توجیه کرد!

مسئلاً وضع اقتصادی بد و ناامنی که مانع ورود توریست که سهم بزرگی از درآمد این کشور را تشکیل می‌دهد اوضاع را وخیم‌تر کرد، و اندک کمک مالی سعودی‌ها و شیخ‌های امارات خلیج فارس برای سر و سامان دادن به وضع فلاکت‌بار اقتصادی کافی نبود. در چنین شرایطی بعد از سه سال هرج و مرج و بی‌ثباتی که مردم از نان و شغل و امنیت افتاده‌اند دنبال یک معجزه و ناجی‌اند! ظهور یک ارتشی سابق به نام عبدالفتاح السیسی که خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده نور امیدی در دل‌های اکثریت مصری‌ها ایجاد کرده است. او با تحریم و اعدام و زندانی کردن اسلامگراها آنان را تروریست خوانده و کاملاً از شرکت در انتخابات دور کرده و به اندک قشر جوانان را که شور و شوق انقلابی دارند و به انتخابات دموکراتیک معتقدند بهائی نمی‌دهد و تلاش دارد اکثریت مردم را که از این وضع و اوضاع اسفناک و بی‌ثبات رنج می‌برند به پای صندوق‌ها بکشاند و ظاهراً قبل از اینکه انتخابات انجام شود او برنده این مسابقه است! زیرا تنها رقیب او حمدین صباحی رهبر حزب چپ‌گرای «کرامت» که از نمایندگان سابق پارلمان مصر است چندان جای مانور در مقابل حریف را ندارد.

با این وصف ۲۶ و ۲۷ ماه می میلیون‌ها نفر در سراسر مصر تحت تدابیر امنیتی (از ترس خرابکاری اخوان المسلمین) به پای صندوق‌های رای می‌روند تا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و نتایج آن پنج ژوئن اعلام خواهد شد. حال باید منتظر شد که در صورت انتخاب شدن السیسی چگونه مشکلات بزرگ اقتصادی را حل خواهد کرد؟ و در رابطه با اپوزیسیون آیا راه مسالمت‌آمیز و گفتگو را با مخالفین در پیش خواهد گرفت و یا سرکوب را؟ در هر صورت هر کسی انتخاب شود با دشواری‌های بزرگی روبروست و به مصداق آن مثل معروف راه طولانی است و سنگلاخ!

رسول

صورت مجزا می‌سرود. طی ۲ سال، دو شاهکار ادبی یعنی بوستان و گلستان را در سال‌های ۶۳۵ و ۶۳۶ هجری خورشیدی نوشت. علی پسر احمد پسر ابوبکر بیستون حدود نیم قرن پس از وفات سعدی، برای نخستین بار کلیات او را گردآوری کرد. آثار سعدی عبارتند از: گلستان، بوستان، غزلیات، قصائد، قطعات، رسائل نثر، رباعیات، مثنویات، اشعار ادبی، مفردات و هزلیات، خبیثات، مثلثات، ترجیعات و کریمات. سعدی به واقع در نویسندگی یک هنرمند است. شک نیست که سعدی نیز یک انسان است و مانند سایر انسان‌ها می‌تواند اشتباهاتی داشته باشد.

آرامگاه سعدی چندین بار به اتهام سنی بودن و یا شیعه بودن توسط خشک‌اندیشان مورد تخریب قرار گرفت. آرامگاه فعلی وی در سال ۱۳۳۰ توسط مهندس فروغی بر اساس کاخ چهل ستون اصفهان طراحی و ساخته شد. مجسمه سعدی از سنگ سفید توسط ابوالحسن صدیقی ساخته و در کنار آرامگاهش نصب شده است.

سعدی مرد نکو نام نمیرد هرگز

تهیه و تنظیم از بهروز



به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در مصر

سه سال پیش در مقابل چشمان حیرت زده قشر روشنفکران عرب و متخصصین غربی مردم مصر به دنبال تحولات کشور تونس به خیابان‌ها ریخته و در عرض پانزده روز دیکتاتور آن کشور حسنی مبارک را که ظاهراً زوال‌ناپذیر جلوه می‌کرد سرنگون کردند. ماهیت «صلح‌آمیز» این دگرگونی که نسبتاً به آسانی انجام گرفت تقریباً دنیا را شگفت‌زده کرد!

سه سال بعد دوباره شکاکیت و ناامیدی بالا گرفت و سرنگونی رئیس جمهور محمد مسری که به طریق دموکراتیک انتخاب شده بود آغاز شد و رژیم روی کار آمد که با کمک ارتشی‌ها هزاران نفر را دستگیر و سرکوب نمود، اقدامی که به کودتا شبیه بود. در واقع با برکناری حسنی مبارک تحول و انقلاب آنچنانی رخ نداده بود و دستگاه دولتی سابق سر جایش بود. از طرف دیگر اسلامگرایان به ریاست محمد مرسى قادر به ایجاد یک پروژه استراتژیک که بتواند بحران کشور را حل کند نبودند. به عبارت دیگر جنبش از اول دارای برنامه مشخص و رهبریت نبود که بتواند دستگاه دولتی سابق را بشکند و چیز

گزارشی از تجمع رانندگان تاکسی در فرودگاه شارل دوگل

در پاسخ به دعوت چند سندیکای تاکسی، روز دوشنبه ۲۶ ماه مه ۲۰۱۴ با تنی چند از همکاران انجمن تاکسیران به فرودگاه شارل دوگل رفتیم. این دعوت قبلاً توسط SMS به اطلاع همه همکاران انجمن تاکسیران رسانده شده بود.

ما ساعت ۶ صبح جلوی خانه یکی از همکاران جمع شدیم و با یک ماشین حرکت کردیم. ساعت هفت و سی دقیقه به فرودگاه رسیدیم و در ترمینال شماره یک، عده‌ای از همکاران تاکسی را که عضو سندیکاها هستند، پیدا کردیم. جلیقه‌های زرد رنگ را که روی آن عبارت «تاکسی حرفه‌ای» نوشته شده بود به تن کردیم.

در ترمینال یک، جمعاً هشت نفر بودیم که بخشی جلوی در خروجی که مسافران از گمرک بیرون می‌آمدند، مستقر شدند و دو نفر جلوی در خروجی که به بیرون منتهی می‌شد و یک نفر هم برای راهنمایی مسافران به طرف صفوف انتظار تاکسی. در ترمینال‌های دیگر نیز همین تعداد تجمع داشتند.

مسافران بیشتر توریست بودند و به انگلیسی صحبت می‌کردند. مسافران فرانسوی که از هواپیما پیاده می‌شدند، اظهار می‌کردند که برای اولین بار است که این برنامه‌ریزی را در فرودگاه می‌بینند و اظهار رضایت می‌کردند.

رانندگان VTC و رانندگانی که به طور غیرقانونی، مسافران را به طرف خود جلب می‌کردند، به مجرد دیدن رانندگان تاکسی با جلیقه‌های زرد، محل را ترک می‌کردند و گاهی بطور فردی، در اطراف محل خروج مسافران از گمرک یا جلوی در خروجی پرسه می‌زدند و با دیدن رانندگان جلیقه زرد، آهسته و بی سر و صدا از محل دور می‌شدند.

ما تا ساعت ۲ بعد از ظهر آنجا بودیم و عده‌ای دیگر از ساعت ۲ بعد از ظهر تا پاسی از شب آنجا ماندند. اگر فرصتی دست می‌داد با کارکنان فرودگاه و با پلیس‌ها، صحبت می‌کردیم و به تفصیل به روشن شدن وضعیت و دل‌نگرانی رانندگان تاکسی و مخاطراتی که می‌تواند این حرفه و همچنین مسافران را با آن مواجه کند، پرداختیم.

نتایج این برنامه‌ریزی قابل تأمل است:

۱ - مسافرانی که با موقعیت فرودگاه آشنایی نداشتند، گیج و سردرگم نبودند و به وسیله رانندگان جلیقه زرد تا سوار شدن در تاکسی هدایت و همراهی می‌شدند.

۲ - ازدحام در مقابل در خروجی برای رسیدن به صف انتظار تاکسی وجود نداشت و با وجود اینکه گاهی چند هواپیما همزمان می‌نشست و تعداد مسافران زیاد بود ولی انضباط و هماهنگی در کار باعث شده بود که از ازدحام جلوی در خروجی کاسته شود.

۳ - صف انتظار مسافران کوتاه‌تر شده بود.

۴ - صف انتظار تاکسی‌ها هم مرتب‌تر و ساعات انتظار برای سوار کردن مسافران هم کمتر شده و تاکسی‌ها سریع‌تر از روزهای قبل مسافر می‌گرفتند.

۵ - کلیه کارکنان فرودگاه از چنین برنامه‌ای حمایت و اظهار خرسندی می‌کردند. یکی از کارکنان که مسئول راهنمایی مسافران در قسمت جلوی در خروجی بود می‌گفت: «شما امروز ما را از دست این رانندگان که به طور غیرقانونی اینجا مسافر می‌گیرند، نجات دادید. ما که پلیس نیستیم و نمی‌توانیم در کار آنها دخالت کنیم، ولی آنها هر روز آرامش را از ما می‌گیرند».

۶ - بلندگوهای ترمینال به طور مداوم مسافران را به طرف ایستگاه تاکسی هدایت می‌کرد و مسافران را از وجود رانندگان تاکسی غیرقانونی باخبر می‌ساخت.

روز پنجشنبه ۲۹ ماه می ۲۰۱۴ در اخبار ساعت ۱۳ کانال ۲ تلویزیون فرانسه، به مدت ۴ دقیقه به این ابتکار عمل نمایندگان سندیکاها و اعضای سندیکاها که عمدتاً رانندگان تاکسی هستند، اشاره کردند و مفسر خبری از موفقیت چنین برنامه‌ای صحبت کرد.

مسلماً پیگیری و ادامه این فعالیت‌ها می‌تواند حمایت‌های همگانی را برانگیزد و به موفقیت ما در عقب راندن رانندگان غیرقانونی VTC تا حدودی کمک کند.

فتانه، ژیلا، زهره، آلن، ماه مه ۲۰۱۴

XXXXXXXXXX

مراسم زار در جنوب

اصحاب زار، بیشتر در بندر عباس، بندر لنگه و بنادر دیگر هرمزگان و همچنین خارک ساکن

سو می‌رفت، کمی بعد سر فرود می‌آمد و به این سوی و آن سوی تکان می‌خورد و در پی آن، شاید نیم ساعت بعد، دست‌ها از کف دست تا آرنج پیش می‌آمد و لرز گونه به حرکت در می‌آمد.

در بندر عباس و بندر لنگه معتقد بودند و می‌گفتند که اگر کسی غیر از زاری‌ها وارد مجلس‌شان شود، زار هنگام خروج، از تن آنها می‌گذرد و آنها را هم زاری می‌کند.

تهیه و تنظیم از صفا

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می‌گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

دوستان و همکاران محترم برای دریافت اطلاعات در رابطه با حرفه تاکسی و ماهنامه انجمن تاکسیران می‌توانید به سایت زیر مراجعه کنید:

www.lnega.free.fr

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت می‌کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه ژوئن شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۲ ماه ژوئن

مکان: رستوران الهام

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱ - سخن هیئت مدیره

۲ - بحث و بررسی پیرامون اعتصابات آینده

۳ - بررسی گزارش نماینده دولت در رابطه با VTC

۴ - حضور مادام Chalabi در رابطه با حسابداری

۵ - نمایش فیلم

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می‌افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

هستند و... هفته‌ای یک شب گرد هم می‌آمدند و تحت تأثیر موسیقی ریتمیک یا ضربی یک‌نواخت مراسم جذبه‌گونه‌ای به جای می‌آورده‌اند.

این گردهمایی تقریباً آیینی را نخست فقط بردگان سیاه‌پوست به جای می‌آوردند، ولی با گذر زمان سفیدپوستان نیز به آنان پیوستند و در انجام این مراسم شرکت جستند. حالا باید دید که چرا این مراسم اصولاً در بندرعباس، بندر لنگه و چند بندر لنگه در آن حوالی بنیان گرفت؟

بندر عباس و بندر لنگه در دوران حکومت صفویان، شکوفایی اقتصادی ویژه‌ای یافتند و رفاه اجتماعی خاص در آن دیار رخ نمود. همراه با داد و ستد بازرگانی، داد و ستد انسانی هم رواج یافت که به تبع آن شمار زیادی برده سیاه‌پوست به وسیله برده‌فروشان عرب وارد این منطقه شدند و به عنوان کارگر و عماله به جامعه ایرانی پیوستند. این بردگان سیاه‌پوست در هر شهری که بودند، می‌کوشیدند با هم‌نژادان خود ارتباط و آیند و روند و باب هم‌نشینی باز کنند و با هم نوعان خود آزادانه مراوده داشته باشند و اجتماع خاص خودشان را که سیالو می‌نامیدند داشتند و از موسیقی سنتی آفریقایی‌شان، که البته اندکی هم تحت تأثیر موسیقی جامعه جدیدشان قرار گرفته بود، استفاده می‌کردند.

اینان هفته‌ای یک بار به مرخصی می‌رفتند و همه در یک جا گرد می‌آمدند و با استفاده از نوای ریتمیک یا یک‌نواخت دهل یا دمام چند ساعتی فارغ از رنج و مصیبت زندگی بردگی و عذاب دوری از وطن و جامعه نژادی‌شان می‌زیستند. آن‌ها با حرکت، سر و دست و شانه و کمر در یک حالت جذبه‌گونه و از خود بی‌خود شده سبک‌بار می‌شدند تا یک هفته دیگر رنج بردگی را بر دوش بکشند.

در این گردهمایی همه دایره‌وار می‌نشستند؛ بزرگ و کوچک، زن و مرد، و همه با اجازه مدیرشان، پدر یا بابای زار خاموش و لب فرو بسته، فقط سلام‌گویان مستقر می‌شدند و دهل زن یا دمام زن در کنار بابای زار می‌نشست، گوش به فرمان وی که مراسم زار را آغاز کند. بابای زار فقط با دست اشارتی می‌کرد و صدای ریتم یک‌نواخت و تام‌تام گونه طبل یا دهل یا دمام به هوا می‌خاست و یک لحظه بعد شانه‌ها تکان می‌خورد یا می‌لرزید، به این سوی و آن